شرح فقره‌ی «حجب العقول عن أن تتخيل ذاته في امتناعها من الشبه و الشكل»

- معرفی محاسن و نواقص کتاب «المعجم الاشتقاقی المؤصل»

معرفی محاسن و نواقص کتاب «المعجم الاشتقاقی الموصل»

در صفحه‌ی هفتاد و سوم بودیم؛ حدیث بیست و هفتم از باب دوم. این حدیث، همانی بود که مرحوم کلینی در روضه‌ی کافی آورده بودند؛ به نام خطبة الوسیلة. در تحف العقول هم این حدیث بود. اما باقر علیه‌السلام به جابر بن یزید جعفی فرمودند:

> «عن جابر بن يزيد الجعفي عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر عن أبيه عن جده عليهم السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام في خطبة خطبها بعد موت النبي صلّى اللّه عليه و آله وسلّم بسبعة أيام و ذلك حين فرغ من جمع القرآن فقال الحمد للّه الذي أعجز الأوهام أن تنال إلا وجوده و حجب العقول عن أن تتخيل ذاته في امتناعها من الشبه و الشكل بل هو الذي لم يتفاوت في ذاته و لم يتبعض بتجزئة العدد في كمالة»[1].

«قال أمير المؤمنين عليه السلام في خطبة خطبها بعد موت النبي صلّى اللّه عليه و آله وسلّم بسبعة أيام و ذلك حين فرغ من جمع القرآن»؛ در کافی شریف هم هست. در بعضی نسخه‌های اماکن دارد: «بتسعة ایام». در خط [نگارش]، «سبعة» و «تسعة» نزدیک هم بوده است. ولی در بیشتر نسخه‌ها، «سبعه» آمده است. نمی‌دانم از مرحوم مجلسی هم گفته ای خیر؛ چون مرآة العقول شرح کافی است؛ خیلی کتاب عالیای است. همین خطبة الوسیلة‌ی کافی را، در جلد بیست و پنجم مرآة العقول، صفحه‌ی سی و شش دارند.

عبارتی که حضرت علیه السلام شروع فرمودند، اینگونه بود:

«الحمد لله الذي أعجز الأوهام أن تنال إلا وجوده و حجب العقول عن أن تتخيل ذاته في امتناعها من الشبه و الشكل»؛ در نسخه‌ی کافی و تحف العقول دارد: «لامتناعها من الشبه و التشاکل». آیا نسخه‌ی توحید بهتر است که «شکل» است یا نسخه‌ی کافی و اماکن که «تشاکل» است؟ اگر «من التشابه» بود، «تشاکل» خیلی خوب بود. معلوم بود که اولویت با آن است. ولی چون قبل از آن چنین هست: «لامتناعها من الشبه»، خیال می‌کنیم از حیث هیأت کلمه «شبه» و «شکل» بیشتر به هم نزدیک هستند تا «تشاکل».

جلسه‌ی قبل راجع به تفاوت «شبه» و «شکل» صحبت شد. عرض کردم لغویین مطالب خوبی دارند، ولی آقای حسن جبل در کتاب «المعجم الاشتقاقی الموصل» حرف دارند. ایشان وفات کرده‌اند و نسخه‌ی جدید آن را پسر ایشان چاپ کرده است. آقایان هم به من دادند. ظاهراً همه‌ی مجلداتش رنگی و خوب است. پسرشان فی الجمله اضافاتی هم بر کتاب دارند. علی أیّ حال، کتاب خوبی است.

نقطه‌ی عطفی در پیشرفت علم لغت است. البته اگر آیندگان مواظب باشند و محدودیت‌هایی که ایشان ایجاد کرده است را اعمال نکنند. مثل خصائص ابن‌جنی؛ عرض کردم الآن که هزار سال از این کتاب گذشته است، چرا پیشرفت نداشت؟ گمانم این است که ابن‌جنی در مسیر کار خودش، محدودیت‌هایی را اعمال کرد که مانع پیشرفت علم شد. حسن جبل هم همینطور است؛ چیزهایی را اعمال کرده است که مانع می‌شود. شاید سه – چهار سال قبل بود که در یک جلسه‌ای، چند مورد را عرض کردم. عرض کردم کسانی که لغت کار کرده‌اند به کتاب ایشان مراجعه کنند و از آن هم به‌خوبی استفاده کنند اما مواظب این سه - چهار امر باشند.

---

[1]. شیخ صدوق، التوحید، ص 73.